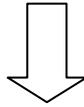


## تبدیل جملات معلوم به مجهول

قید + مفعول + فعل + فاعل : جمله معلوم

قید + PP + مشتقات to be + نایب فاعل : جمله مجهول



1. زمان حال ساده ..... am/is/are
2. زمان گذشته ساده ..... was/were
3. زمان آینده ساده ..... will be
4. زمان حال استمراری ..... (am/is/are) being
5. زمان گذشته استمراری ..... (was/were) being
6. زمان حال کامل ..... (have/has) been
7. زمان گذشته کامل ..... had been
8. زمان آینده کامل ..... will have been

1- She sees me every day.	او هر روز مرا می بیند
1- I am seen every day.	من هر روز دیده می شوم
2- Sona wrote a letter yesterday.	سونا دیروز یک نامه نوشت
2- A letter was written yesterday.	یک نامه دیروز نوشته شد
3- I will clean the window tomorrow.	من فردا پنجره را تمیز خواهم کرد
3- The window will be cleaned tomorrow.	پنجره فردا تمیز خواهد شد
4- They are painting the wall.	آنها دارند دیوار را رنگ می کنند
4- The wall is being painted.	دیوار دارد رنگ می شود
5- She was washing the kitchen.	او داشت آشپزخانه را می شست
5- The kitchen was being washed.	آشپزخانه داشت شسته می شد
6- He has broken the glass.	او لیوان را شکسته است
6- The glass has been broken.	لیوان شکسته شده است
7- We had bought some books for school.	ما تعدادی کتاب برای مدرسه خریده بودیم
7- Some books had been bought for the school.	تعدادی کتاب برای مدرسه خریده شده بود
8- He will have bought a new car by 2012.	او تا سال 2012 یک ماشین خواهد خرید
8- A new car will have been bought by 2012.	تا سال 2012 یک ماشین خریده خواهد شد

### صفات

صفت مطلق/متساوی: قبل از اسم می آید و برای بیان خصوصیات دو چیز است که دارای کیفیت مساوی هستند.

as + صفت + as

This table is **as big as** that table.  
This car is **as expensive as** that house.

این میز به بزرگی آن میز است  
این ماشین به گرانی / هم قیمت آن خانه است

**not so + صفت + as**

Today is not so warm as yesterday.

امروز به گرمی دیروز نیست

اسامی کیفی در حالت مقایسه در غالب زیر می آیند:

Age سن, height قد, price قیمت, style روش, color رنگ, length طول, size اندازه, weight وزن ...

**the same + اسم + as**

This chair is **the same color as** that bike.  
Mary is **the same age as** her friend.

این میز هم رنگ آن دوچرخه است  
ماری هم سن خواهرش است

به ساختار های زیر توجه کنید:

Fresh fruit cost **twice as much as** canned fruit.  
We eat **twenty times as much sugar as** we did in 1800.  
We have **half as many as** we need.

قیمت میوه تازه دو برابر کمپوت میوه است  
ما دو برابر سال 1800 شکر می خوریم  
ما نصف آن چیزی را داریم که لازم داریم

**صفت تفصیلی (تر):** برای بیان خصوصیات دو چیز است که دارای کیفیت متفاوت هستند.

**+ صفت یک سیلابی + er**

tall بلند taller بلند تر

big بزرگ bigger بزرگتر

This tree is **taller** than that tree.

این درخت بلندتر از آن درخت است.

**صفت چند سیلابی + more**

beautiful زیبا more beautiful زیباتر

This house is **more beautiful** than that one.

این خانه زیبا تر از آن یکی است.

**صفت عالی (ترین):** برای بیان خصوصیات بیش از دو چیز است که دارای کیفیت متفاوت هستند.

**The + صفت یک سیلابی + est**

fat چاق the fattest چاق ترین

He is **the fattest** student in the class.

او چاق ترین دانش آموز این کلاس است.

صفت چند سیلابی + The most

expensive گران the most expensive گرانترین

This is the **most expensive** car here. این گران ترین اتومبیل اینجا هست.

به جدول زیر توجه کنید:

صفت مطلق/متساوی	صفت تفضیلی (تر)	صفت عالی (ترین)
Good/ well خوب	Better بهتر	The best بهترین
Bad/ ill بد	worse بدتر	The worst بدترین
Little کم	Less کمتر	The least کمترین
Much/ many خیلی	More بیشتر	The most بیشترین
Far دور / زیاد	Farther بیشتر Further دور تر	The farthest بیشترین The furthest دور ترین

جملات شرطی

❖ جملات شرطی نوع اول

... + حالت ساده فعل + will/can/may + فاعل + , زمان حال ساده + فاعل + If

If Mary studies hard, she will/can/may pass the exam.

اگر ماری سخت مطالعه کند، امتحان را پاس خواهد کرد.

If you go to the station, you will/can/may see your friend.

اگر تو به ایستگاه بروی، دوستت را خواهی دید.

If you would like to come, I will get a ticket for you. (میل داشتن)

اگر دوست داری که بیایی، برای تو یک بلیط خواهم گرفت.

❖ جملات شرطی نوع دوم

... + حالت ساده فعل + would/could/might + فاعل + , زمان گذشته ساده + فاعل + If

If Mary studied hard, she would/could/might pass the exam.

اگر ماری سخت مطالعه می کرد، امتحان را پاس می کرد.

If you went to the station, you would/could/might see your friend.

اگر تو به ایستگاه می رفتی، دوستت را می دیدی.

### ❖ جملات شرطی نوع سوم

If + فاعل + زمان گذشته کامل + فاعل + (would/could/might) have + pp +...

If Mary had studied hard, she would/could/might have passed the exam.

اگر ماری سخت مطالعه کرده بود، امتحان را پاس کرده بود.

If you had gone to the station, you would/could/might have seen your friend.

اگر تو به ایستگاه رفته بودی، دوستت را دیده بودی.

If he had run all the way, he would have gotten there in time.

اگر او تمام راه رو دویده بود، به موقع به آنجا رسیده بود.

If I had known of your arrival, I would have met you.

اگر من از ورود شما مطلع بودم، شما را ملاقات کرده بودم.

If he had taken my advice, he would be a rich man now.

اگر او به نصیحت من گوش داده بود، الان یک شخص پولدار بود.

- در جملات شرطی نوع دوم فعل **to be** برای تمام ضمایر تبدیل به **were** میشود به عبارت دیگر در جملات شرطی نوع دوم **was** نداریم.

If I were a doctor, I would help him.

اگر من یک دکتر بودم، به او کمک می کردم.

If today were off, we would go shopping.

اگر امروز تعطیل بود، ما به خرید می رفتیم.

- اگر در جملات شرطی **were, had** و **should** داشته باشیم به صورت زیر عمل می کنیم:

~~If~~ I were rich, I would help him.

اگر من پولدار بودم، به او کمک می کردم

Were I rich, I would help him.

~~If~~ Jack had come, we....

اگر جک آمده بود، ما...

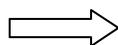
Had Jack come, we ....

~~If~~ they should help, we ...

اگر آنها احیانا به ما کمک کنند، ما...

Should they help, we ...

**Unless = if not**



Unless it rains, we will go shopping.

اگر باران نبارد، ما به خرید خواهیم رفت.